

اصول و روش‌های تربیت عاطفی از منظر اسلام

سید علی‌رضا موسوی^۱

سید آقا حسن حسینی^۲

چکیده

تعلیم و تربیت به‌خصوص تربیت دینی، فلسفه بعثت انبیای عظام^(ع) است. تربیت متریبان از منظر منابع و معارف اسلامی در همه ابعاد وجودی انسان (شناختی، عاطفی و رفتاری) و همه ساحت‌های تربیتی (شناختی، اعتقادی، عبادی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، جسمانی، جنسی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، شغلی، هنری و...) موردتوجه است. تربیت ساحت عواطف متریبی (احساسات و هیجانات انسانی) مهم‌تر از تربیت در سایر ساحت‌های دیگر تربیتی است؛ زیرا نیروی محرکه انسان برای عمل و تعامل، هیجانات و احساسات انسانی است. در تربیت عاطفی از بین عناصر مهم تربیت (مبانی، اهداف، اصول، مراحل، عوامل و روش‌ها) اصول و روش‌های تربیتی به دلیل قرابت و نزدیکی با عمل انسانی از اهمیت خاص برخوردار است. در این تحقیق تلاش می‌شود اصول و روش‌های تربیت عاطفی بر اساس منابع اسلامی بررسی و تحلیل شود.

کلیدواژه‌ها: تربیت اسلامی، تربیت عاطفی، اصول تربیت عاطفی، روش تربیت عاطفی

۱. گروه مدیریت آموزشی، جامعه المصطفی العالمیه، کابل، افغانستان.

۲. گروه فقه تربیتی، مجتمع آموزش عالی فقه، جامعه المصطفی العالمیه، سرپل، افغانستان.

ایمیل: ahh.1903@gmail.com

مقدمه

طراحی و اجرای تربیت مبتنی بر رهنمودهای منابع اسلامی که بر پایه فطرت و حرکت به سوی فضایل و کمالات است، در فضای داخلی خانواده امکان‌پذیر است؛ زیرا «خانواده مناسب‌ترین نظام برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید، اجتماعی کردن، برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد و تربیت فرزندان محسوب می‌شود و سهم بسیار ارزنده‌ای را در بنای تمدن انسانی و اسلامی دارد».

(شریف قریشی، ۱۳۶۲، ۱: ۱۵) «بدون شک یکی از اهداف مهم خلقت انسان، تربیت او به بهترین وجه و با هدف رسیدن به کمالات مادی و معنوی و شکوفایی همه استعدادهای انسانی او است. تعلیم و تربیت در نظام مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، فرازمانی و بدون محدودیت سنی (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۱: ۱۲۶)، فرامکانی (متقی هندی، ۱۴۰۹: ح ۲۸۶۹۷)، جنسی (وَرّام، ۱۴۱۰، ۲: ۱۷۶) و... است و تعلّم و تحصیل لازم است ولو اینکه معلم و استاد مؤمن و فرهیخته یافت نشود، باید از مهمان‌مکن بهره‌جست حتی از «اهل نفاق» (مجلسی، ۱۴۱۳، ۲: ۹۹) می‌توان آموخت.

مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها، مراحل، عوامل و موانع و ساحت‌ها، از مهم‌ترین عناصر تعلیم و تربیت است. در این بین روش‌های تربیت به دلیل ارتباط نزدیک با عمل تربیت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. روش‌های تربیت به تعداد عمل و رفتار تربیتی، متعدد و فراوان است. روش‌ها به دودسته «مثبت» و «منفی یا آسیب‌زا» تقسیم می‌شود. در تقسیم دیگر روش‌ها از حیث ارتباط با ساحت‌های وجودی متربی به عام (فراساحتی) و خاص (ساحتی) تقسیم می‌شود و روش‌های ساحتی برحسب ابعاد و ساحت‌های مختلف تربیت، به شناختی، عاطفی و رفتاری قابل تبیین است. یکی از ساحت‌های مهم و جود انسان، «بعد عواطف، احساسات، هیجانات و انگیزش است و یکی از مؤثرترین روش‌های تربیت، تربیت عاطفی است و مراد از آن هدایت و راهنمایی انسان از طریق روش‌های عاطفی به منظور رساندن او به کمال است. در واقع عواطف و هیجانات یکی از مؤلفه‌های مهم شخصیت و جزئی از دنیای روانی انسان به شمار می‌روند و نقش مهمی در زندگی انسان در تمام مراحل رشد



دارد. تربیت عاطفی با کانون احساسات آدمی یعنی قلب او سروکار دارد. این جنبه از شخصیت انسان بسیار پیچیده و از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است به گونه‌ای که بسیاری از رفتار، افکار، تخیلات و تصمیمات روزانه انسان، تحت تأثیر وضعیت عاطفی و حالات احساسی او است». (شهریاری نیسیانی، ۱۳۹۶، ش ۳۵)

در این مقاله اصول و روش‌های تربیت عاطفی از منظر منابع اسلامی بررسی می‌شود؛ روش‌های از قبیل «محبت ورزی»، «ابراز خشم»، «ابراز ترس»، «تواضع و فروتنی»، «سلام کردن»، «صله رحم»، «تعاون و همکاری»، «انفاق»، «ایشار» و... در این تحقیق بررسی خواهد و دیدگاه مبتنی بر یافته‌های روان‌شناسی و دیدگاه مبتنی بر دریافت‌های منابع و متون اسلامی مقایسه می‌گردد و نقاط اشتراک و افتراق هر دو دیدگاه بیان خواهد شد.

مهم‌ترین پرسش این تحقیق «روش‌های تربیت عاطفی بر اساس منابع اسلامی چیست؟» است. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و با کمک ابزار اسناد و مدارک (کتابخانه‌ای) و مراجعه به منابع و متون دو مکتب اسلام و روان‌شناسی انجام می‌شود.

مفهوم شناسی

۱. روش

روش (Methode) مجموعه اموری است که انسان را برای رسیدن به هدف و انجام کار مورد نظر به صورت روشمند کمک می‌کند. روش مفهوم راهبردی است که نحوه عمل را ترسیم می‌کند و مراحل و چگونگی پیمودن آن‌ها را برای رسیدن به هدف‌های مورد نظر معلوم می‌کند. (ساروخانی، ۱۳۹۳، ۱: ۲۴)

روش به عنوان شیوه و اسلوب، (Procede) نیز اطلاق می‌شود. همچنین فن (Technique) عبارت است از ابزار و وسیله‌ای که به کمک آن شیوه آموزشی اعمال و اجرا می‌شود تا در نهایت روش آموزشی در چهارچوب رویکرد خاص به غایات خود برسد». (اعرافی، ۱۳۷۷: ۲۶۷) روش به معنای «در پیش گرفتن راه» و فرایند عقلانی

یا غیرعقلانی ذهن برای دستیابی به شناخت یا تعریف یک واقعیت است. از این رو به واسطه روش می‌توان از طریق عقل یا غیر آن واقعیت‌ها را شناخت و از لغزش برکنار ماند. (ساروخانی، ۱۳۹۳، ۱: ۲۴)

۲. تربیت

تربیت در لغت به معنای «پروراندن، پروردن، آموختن، تأدیب و سیاست، ترقی و برتری، احسان و تفقد نسبت به شاگرد و دیگر زبردستان به کار رفته است»، (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴، ۵۷۷۶) این واژه معادل انگلیسی واژه Education است که از دوریشه Educare به معنای تغذیه و خوراک و Educere به معنای بیرون کشیدن (فرهیختن) و رهنمود به چیزی و پرورش است. (گاستون میالاره: ۱)

در زبان عربی این لفظ از دو ماده اشتقاق یافته است. یکی «رَبَبَ» و دیگری «رَبَوَ». تربیت از ماده رَبَب به معنای حضانت، اصلاح، تدبیر، خوب رسیدگی کردن، سرپرستی، تتمیم و تکمیل و چیزی را ایجاد کردن و به تدریج تکامل بخشیدن و سوق دادن شیء به سوی کمال است. واژه «التربیه» هم می‌تواند از رَبَب باشد و هم از رَبَو و در هر دو صورت به معنای رشد و حرکت به سمت کمال است. (همت بناری، ۱۳۸۳: ۵۷)

تربیت در اصطلاح تعریف‌های زیادی شده است، از جمله گفته شده «فعالیتی است هدفمند و دوسویه میان مربی و متربی به منظور کمک به متربی در جهت شکوفایی قابلیت‌ها و استعدادها و پرورش شخصیت وی در ابعاد فردی، اجتماعی، اخلاقی، عقلانی، عاطفی، جسمانی». (همت بناری، ۱۳۸۳: ۶۸)

۳. عاطفه

عاطفه از عَطَف گرفته شده که به معنای، مهربانی و ترحم و توجه آمده است و در فارسی به معنای مهر و محبت، توجه و تمایل به سمت چیز دیگری داشتن همراه با رحمت و مهربانی آمده است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۸: ۱۶۸) یکی از صفات خداوند عطف است؛ زیرا شأن خداوند توجه همراه با رحمت به بندگان است. برخی از لغویون اصل معنای عطف را خم شدن و نزدیک شدن دو طرف یک شیء به هم



دانسته‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۷۲)

این میل و توجه همراه با مهربانی و رحمت دو حالت دارد؛ یا ظاهری است که در رفتار انسان قابل مشاهده است، یا باطنی است که با توجه مهربانانه قلب به سمت مطلوب حاصل می‌گردد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۸: ۱۶۸-۱۶۹) مراد از عاطفه در اینجا عبارت است از: «گرایش‌ها، میل‌های قلبی و درونی انسان که بین فرد و دیگران ارتباط برقرار می‌کند. البته نمودهای این گرایش‌ها در قالب‌های محبت و دوستی یا بغض، کینه و دشمنی، امیدواری و ناامیدی، تنفر و انزجار و... بروز و ظهور پیدا می‌کند. (گریس آر، ۱۳۷۶: ۶۵)

برخی معتقدند: «عاطفه حالت روانی پیچیده‌ای است که به صورت غریزی به وسیله محرک درونی یا بیرونی به وجود می‌آید و آثاری را در درون و برون آدمی در پی می‌آورد که پاره‌ای از آن‌ها قابل مشاهده است. از مصادیق عواطف می‌توان به خشم، شادی، نفرت، علاقه، درماندگی، تعجب، ترس، غم، انتظار، اندوه و پذیرش اشاره کرد». (بهشتی، ۱۳۷۹: ۵۷۲) این تعریف از عاطفه با تعریفی که دیگر روانشناسان از هیجان کرده‌اند، هماهنگی نزدیکی دارد. (رایس، ۱۴۰۱: ۳۵۴)

منابع اسلامی

منظور از منابع اسلامی در این تحقیق عبارت است از:

۱. قرآن

قرآن که در علم فقه و اصول از آن، با عنوان «کتاب» یاد می‌شود، مهم‌ترین دلیل اثبات احکام و نخستین منبع حقوق و معارف اسلامی به شمار می‌رود. اهمیت قرآن و نقش آن در استنباط احکام شرعی، بدیهی و بی‌نیاز از توضیح است؛ زیرا قرآن منبع اصلی اعتقادات، اخلاقیات و احکام شرعی (فردی و اجتماعی) مسلمانان است.

۲. سنت

دومین منبع معرفتی اسلامی، سنت (قول، فعل و تقریر معصوم یعنی پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام) است.



۳. عقل

عقل به دو شکل به حیث منبع معرفتی متصور است: «نخست این که عقل، به عنوان منبعی مستقل تلقی شود و در عین این که بخشی از قواعد حقوقی اسلام را از وحی که کاشف از اراده تشریحی خدای متعال است، می‌گیریم، بخش دیگری از آن قواعد را نیز از عقل بگیریم، به عنوان مستقل نه به این عنوان که کاشف از اراده تشریحی خدای متعال است. دوم اینکه عقل به این عنوان که کاشف از احکام شرعی الهی است. در صورت دوم اعتبار آن فقط به لحاظ کاشف بودن از اراده تشریحی خدای متعال خواهد بود.» (صدر، ۱۴۰۶، ۳: ۴۲۴)

۴. اجماع

یکی از مهم‌ترین منابع فقه شیعه و سنی، اجماع است. هر چند بین فرق اسلامی در تعریف اجماع و اصلی یا فرعی بودن آن اختلاف وجود دارد. اهل سنت، بدان دلیل که از سنت ائمه اهل البیت^(ع) محروم هستند، به اتفاق نظر اهل حل و عقد یا دانشمندان مسلمان یا امت اسلامی به عنوان منبعی برای اثبات حکم شرعی استناد می‌کنند. لذا در تعریف آن آورده‌اند: اجماع عبارت است از اتفاق نظر کلیه دانشمندان اسلامی یک عصر بر یک حکم شرعی. برخی معتقدند: اجماع عبارت است از اتفاق نظر کلیه مجتهدین امت اسلامی بعد از زمان رسول‌الله^(ص) بر یک حکم شرعی که قابل اجتهاد است. (صبحی صالح، ۱۳۸۶: ۲۳۶)

از دیدگاه شیعه اجماع فی نفسه دلیل مستقلاً محسوب نمی‌شود. اجماعی منبع فقه محسوب می‌شود که کاشف از سنت باشد. لذا چنین تعریف کرده‌اند: «اجماع عبارت است از اتفاق نظر فقهای شیعه در یک زمان بر یکی از احکام شرعی به گونه‌ای که بتواند کاشف از رأی معصوم باشد». (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱: ۳۵۹) بنابراین ملاک حجیت و اعتبار اجماع در نظر شیعه صرفاً کاشفیت آن از قول معصوم است.

تربیت عاطفی از جهات مختلف امری اساسی و بسیار مهم است؛ چنانکه پرداختن به آن در تعلیم و تربیت، امری اجتناب‌ناپذیر است. یکی از جنبه‌های روح



و نفس انسان، «ساحت عاطفی انسان» است. داشتن عواطف مناسب از ویژگی‌های فطری هر انسان است و مؤمنان در منابع دینی به داشتن آن ترغیب شده‌اند. در قرآن کریم و احادیث منقول از ائمه معصوم^(ع) چنانکه به عقل و تعقل اهتمام ویژه دارد، به دل و قلب هم که کانون مهر و محبت بوده، مورد توجه است. خواست و مشیت انسان تحت تأثیر ساحت عاطفی و هیجانات او است؛ انسان تا در مورد کاری شوق و رغبت نداشته باشد، نسبت به آن برانگیخته نمی‌شود.

یکی از مهم‌ترین عواملی که عاطفه انسانی را تأکید و تقویت می‌کند و بر خود انسان و سایر افرادی که مورد مهر و محبت قرار می‌گیرند، تأثیر می‌گذارد، شناخت محبت و عواطف انسانی و روش‌های اجرای آن طبق آموزه‌های دینی است. خداوند یکی از ویژگی‌ها مؤمنان را محبت شدید و عشق آن‌ها به خود می‌داند: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره: ۱۶۵)

اصول تربیت عاطفی

آنچه در ذیل می‌آید بخشی از مهم‌ترین اصولی است که از منابع دینی استخراج شده است:

۱. اصل خدامداری

اصل خدامداری یکی از عام‌ترین و اساسی‌ترین اصول تربیت اسلامی است. مفهوم خدامحوری عبارت است از: «انجام دادن یا قصد انجام دادن کلیه اعمال و رفتار انسان بر اساس ملاک و معیارهایی که خداوند برای آن‌ها تعیین کرده است، به منظور کسب رضایت الهی». جریان این امر در عمل تربیتی ناظر بر نحوه عملکرد مربی بر اساس آن ملاک‌ها است. «قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأُمْرًا لَّنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ بگو در حقیقت تنها هدایت خدا، هدایت واقعی است که دستور یافته‌ایم تسلیم پروردگار جهانیان باشیم». (انعام: ۷۱)

به باور شهید مطهری گزینش برنامه‌های تربیتی باید به نحوی صورت بگیرد که انگیزه رضایت خداوندی در مربی روز به روز فزونی یابد تا جایی که وی بدون کسب رضایت الهی به هیچ عملی اقدام نکند. انتقال روحیه تعهد در مربی برای تطبیق



اعمال با معیار و ملاک الهی بارزترین ثمره‌ای است که از این اصل حاصل می‌شود. مبانی اشتقاق اصل خدامحوری را می‌توان در دو بعد جهان‌بینی و انسان‌شناختی خلاصه کرد. بر اساس جهان‌بینی توحیدی، جهان از یک مشیت حکیمانه پدید آمده است و نظام هستی بر اساس خیر بودن وجود و رسانیدن موجودات به کمالات شایسته خود، استوار است». (مطهری، ۱۳۷۱، ۲: ۸۳)

۲. زندگی محوری

از آنجا که دین ناظر بر کلیه جوانب زندگی انسان است و با نگرشی فراتر از رفع نیازهای موضعی و مادی، جهت دهنده بسیاری از درخواست‌های انسان در روند زندگی فردی و اجتماعی از حیث‌گزینش و نحوه عمل و مسیر آن است، تربیت بر محور چنین نگرشی مستلزم عدم انفکاک از متن زندگی است. در چارچوب تربیت دینی، ترغیب به کناره‌گیری از اجتماع و تقویت روحیه مرتاضانه در فرد، امری کاملاً غیرمتعارف است». (مطهری، ۱۳۷۱، ۲: ۲۴۱)

۳. محبت‌مداری

میل به مهر و محبت کردن و محبت‌ورزی از تمایلات فطری هر انسان است که در «هر دوره‌ای از زندگی بشر، تحول و رشد به آن نیازمند است و باید از بدو تولد تا آخرین زمان وداع با این دنیا، متناسب با دوره رشد خویش، همواره این نیاز عالی و اساسی تأمین شود». (احمدی، ۱۳۸۰، ۴۸: ۳۲) «محبت، احساسات و تمایلات خانوادگی و اجتماعی انسان‌ها را نسبت به همدیگر در عرصه‌های گوناگون زندگی، عمیق و ریشه‌دار می‌سازد؛ زیرا محبت، مهربانی و عطف، به زندگی خانوادگی و اجتماعی گرما می‌بخشد و صمیمیت، صداقت و برخورد نیک و شایسته را در پی دارد. پیامبر اعظم (ص) در مورد محبت فرمودند: «قول الرجل للمرأة إني احبک لایذهب من قلبها ابداً؛ اگر مردی به زنش بگوید من تو را دوست دارم، اثر این سخن هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود». (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۵۶۹)

می‌توان مدعی شد که «نیرومندترین عامل دوام و رشد خانواده، محبت است و بهترین عامل برای استحکام و بقای آن، برانگیختن عواطف متقابل همسران به یکدیگر



است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «... فَأَشْفِقُوا عَلَيْهِنَّ وَ طَيَّبُوا قُلُوبَهُنَّ حَتَّى يَقِفْنَ مَعَكُمْ وَ لَا تَكْرَهُوا النِّسَاءَ وَ لَا تَسْخَطُوا بِهِنَّ...»؛ پس با آنان مهربانی باشید و دل‌هایشان را به دست آورید تا با شما همراه شوند و هرگز آنان را مجبور کاری و خشمگین نکنید». (نوری، ۱۴۰۸، ۱۴: ۲۵۲)

ابراز محبت به اطرافیان به خصوص فرزندان، از اصولی‌ترین راه‌های تربیت درست و مطلوب است که مورد عنایت اسلام بوده است. نکته قابل توجه اینکه «اساس تربیت دینی بر محور برانگیختن حب و علاقه انسان و ایجاد وابستگی و تعلق خاطر در او شکل می‌گیرد. ایجاد و پرورش حس تعلق، اشتیاق و عشق به خدا و در نتیجه به خلق او و نفرت و انزجار از شیطان و مظاهر او وظیفه اصلی تربیت دینی محسوب می‌شود. آنچه در اصل محبت محوری مطرح می‌شود، میدان‌داری گرایش‌های قلبی و اولویت عشق‌ورزی و راز و رمزهای آن بر استدلال‌های بی‌طراوت عقلانی و افراط‌های بی‌روح عملی است». (جیمز، ۱۳۶۷: ۲۴)

۴. اخلاق‌مداری

زندگی انسان اگر به دور از اخلاق و معیارهای انسانی و اخلاقی باشد، فاقد ارزش است؛ زیرا از منظر اسلام و فرهنگ تربیتی آن «یکی از ارکان و اهداف مهم دین، اخلاق است. مقصود از تمام معارف دینی و انجام مناسک و شعایر، ایجاد تحول اخلاقی در انسان است؛ به نحوی که اگر عناصر معرفتی و عبادی در دین نتوانند در حوزه اخلاقی تأثیر بگذارند، به کمال خود دست نیافته‌اند. اسلام بر غایت‌ها و فرجام‌های اخلاقی و عملی در قالب تقوا، عبرت‌آموزی، شکرگزاری، ایمان و یقین، دریافت هدایت، عبادت الهی، نیل به رشد و رستگاری و... بسیار تأکید دارد. این امر بیانگر ارزش اخلاق در میان دیگر عناصر است». بنابراین می‌توان متعلق تربیت دینی را همان تربیت اخلاقی دانست. پیامبر خدا (ص) فرمود: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ یعنی همانا من برای کامل کردن کرامت‌های اخلاقی مبعوث شده‌ام». (مجلسی، ۱۴۱۳، ۱۶: ۲۱۰)

پس وقتی «والدین که مربیان نخست در محیط کوچک به نام کانون خانواده



هستند، اگر دوست دارند به این فضیلت نائل آیند و بر عطفوت، مهربانی و بخشایشگر بودن اتفاق نظر داشته باشند، می‌توانند گامی بزرگ در زمینه‌سازی تربیت مطلوب دینی فرزندان خویش بردارند. در بیانی امام علی^(ع) می‌فرمایند: «هر کس کرامت و شخصیت عاطفی‌اش پرورش یابد، همه رفتارهای او نیک می‌شود و نیکوکاری و حسن عمل را بر خود دینی می‌داند که موظف به ادای آن است». (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷: ۲) بدون تردید «اتخاذ چنین روشی در زندگی از جانب والدین، زمینه را برای تقویت تربیت و شکوفاسازی عاطفی فرزندان فراهم می‌کند و تعاملات آنان را به نحو مطلوب سامان می‌دهد». (فقیهی و نجفی، ۱۳۹۲: ۸۸) از تأثیرگذارترین عوامل حرکت مطلوب فرزندان در مسیر سبک زندگی اسلامی، خانواده و روابط عاطفی والدین است که مهم‌ترین نهاد تربیتی جامعه و نخستین آموزشگاه فرد محسوب می‌شود.

۵. اعتدال در رفتار

اعتدال در رفتار از دیگر اصول تربیت است که می‌بایست مریبان به آن بذل توجه نمایند؛ زیرا «انگیزه و گرایش درونی انسان در تربیت دینی از اهمیت فراوانی برخوردار است. مطالعه احادیث و سیره عملی رسول خدا^(ص) و دیگر پیشوایان دینی نشان می‌دهد که تمام تلاش این بزرگواران در درونی کردن ارزش‌ها و مفاهیم دینی بوده است. لذا باید با کودکان به گونه‌ای رفتار شود که با افزایش خودآگاهی، از درون گرایش به ارزش‌های دینی پیدا کنند و با جان و دل آموزه‌های دینی و اخلاقی را بپذیرند. از این رو، تربیت دینی امری مداوم است که باید بدون هرگونه اکراه و اجبار یا زیاده‌روی و سخت‌گیری بی‌مورد، انجام پذیرد تا همیشگی و پایدار باشد». (فاضلی، ۱۳۹۰، ۱۶۰: ۴۳)

۶. حرمت و کرامت انسانی

راه‌های رسیدن به کرامت انسانی متعدد است و یکی از راه‌ها آن است که انسان، کرامت و حرمت را در اطرافیان خود ببیند و با همه وجود لمس کند. «برای اینکه انسان کریم شود و شریف‌النفس بار آید، باید کرامت ببیند و مورد تکریم و احترام قرار گیرد و این امر از دوران کودکی اهمیت دارد. پیامبر اکرم^(ص) در سخنی فرمود:



«همان‌گونه که فرزند نباید نسبت به والدین خود بی‌احترامی کند، والدین نیز نباید نسبت به او بی‌احترامی کنند». (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ۱۴: ۷۱۰۹) باز حضرت فرمود: «فرزندان خود را تکریم کنید و گرامی بدارید و با آنان با آداب نیکو معاشرت کنید». (متقی هندی، ۱۴۰۹، ۱۶: ۴۵۶)

بدون تردید تکریم کودک در ایجاد وابستگی و دل‌بستگی بین او و مربیان تأثیرگذار است و زمینه پذیرش آموزه‌های مختلف به‌خصوص مسائل اخلاقی و تربیت دینی را فراهم می‌سازد. کرامت و بزرگواری از عوامل مهم سلامت رفتاری و حاکی از تربیت مطلوب است. از این‌رو در کنار مهرورزی و عطوفت به فرزند، باید روح بزرگواری را در او دمید و شخصیتش را احیا کرد. رسول اکرم (ص) فرمود: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ؛ فرزندان خود را گرامی بدارید (به آنان شخصیت بدهید) و آنان را خوب تربیت کنید». (طبرسی، ۱۳۷۰: ۴۳۰) «سیره عملی امامان معصوم (ع) در امر تربیت فرزند این بود که هرگز آنان را تحقیر نمی‌کردند و از کاری که موجب عقده حقارت فرزند می‌شد، دوری می‌کردند و همواره به آنان شخصیت می‌دادند؛ زیرا می‌دانستند هر که برای خود شخصیتی قائل نباشد، به هر انحراف و گناهی دست خواهد زد». (عبدوس و اشتهاوردی، ۱۳۸۸: ۵۲۵)

۷. اعتلای عواطف

این اصل بر هدف مدیریت رفتارهای عاطفی در ارتباط با خود و دیگران ناظر است. بر این اساس مربی الزاماً باید عواطف را به عقلانیت انتقال دهد؛ اما این انتقال به معنای نفی خاصیت تأثیرپذیری انسان از انگیزه‌های محرک احساسات نیست، بلکه نشان‌دهنده رشد شخصیت در ابعاد گوناگون و مراحل چهارگانه تشکیل رفتار عاطفی است. با این اصل روشن است که تربیت عاطفی به معنای اسیر شدن انسان در مرحله احساسات نیست، بلکه منظور شفاف‌سازی جایگاه بعد عاطفی در عقلانیت است و تأکید دارد که سامانه عصبی انسان در پردازش محرک‌ها باید از مجرای منطقی گذر کند.

۸. اصل تقرب به خدا

این اصل ناظر به هدف کلی نظام آموزش و پرورش است. برترین و عام‌ترین هدف در معرفت، سیر و سلوک است که از راه‌های مختلف می‌توان آن را به دست آورد. برخی راه‌ها بسیار نزدیک و برخی طولانی است. برخی راه‌ها نسبت به دیگر راه‌ها شرافت و ارزش ذاتی دارد و «خود در مرحله‌ای هدف و اصل است. محبت و سلوک مبتنی بر محبت در طریق وصل به پروردگار، یکی از راه‌هایی است که تربیت دینی بدان عنایت تام دارد. چگونه می‌توان به حب خالق هستی، بدون شناخت کمال مطلق او دست یافت؟» (کاشانی، ۱۳۹۷: ۱۹۰) تربیت عاطفی باید بر اساس این هدف باشد و در مسیر آن بر سطوح معرفتی فراگیر یاری کند.

۹. اصل ایجاد انگیزش درونی

تأثیر دیگر بعد عاطفی در آموزش، ایجاد انگیزه است. آنچه از سوی نظام‌های رایج آموزش و پرورش مورد غفلت قرار گرفته، انگیزه‌های درونی است که جای خود را به انگیزه‌های ناپایدار و سطحی همچون رقابت جویی، احساس شایستگی و خودبسندگی می‌دهد که هرگز نتوانسته است نقش مهمی در شناخت و یادگیری ایفا کند. شاید توجه نکردن به بعد عاطفی یکی از دلایل این چالش باشد. در بعد عاطفی، شخص رفتاری را به دلیل کاملاً درونی از خود نشان می‌دهد و به عوامل بیرونی نیاز ضروری ندارد. در همین راستا بعضی از صاحب‌نظران معتقدند که نقش عاطفه در خلق علم و تمدن بشر کمتر از خرد انسانی نیست و مبدأ آفرینندگی هنری را نیز در آن می‌بینند. (ر.ک. شمشیری، ۱۳۸۵: ۳۲۵)

۱۰. اصل ارتقای یادگیری عاطفی

این اصل بر کثرت‌گرایی شناختی و استفاده از منابع مختلف در یادگیری ناظر است. اصلی‌ترین عامل تأثیرگذاری پرورش عواطف در تعلیم و تربیت، تأثیرگذاری در عمق و وسعت یادگیری است. صاحب‌نظرانی مانند گل‌من تصریح می‌کنند که به لحاظ جسمی، عاطفه نقش مهمی در چگونگی یادگیری دارد. هنگامی که اطلاعات فراگیر در یک زمینه عاطفی شکل بگیرد، آن را بهتر به یاد می‌آورد و خط سیر عصبی از



طریق این عواطف در مسیر یادگیری افزایش می‌یابد. (امینی، ۱۳۸۳: ۲۱)

۱۱. انسان‌دوستی

محبت به انسان‌ها در فطرت هر انسانی به‌ویژه والدین وجود دارد. همین عاطفه دیگر دوستی، منشأ برقراری روابط عاطفی با فرزندان است. در آموزه‌های اسلامی به‌ویژه معارف قرآنی به برقراری ارتباطات عاطفی افراد با یکدیگری به‌مثابه یک اصل تربیتی توجه شده است؛ لذا تا وقتی که «افراد و ازجمله فرزندان از رفتار انسانی بیرون نرفته‌اند و در صدد مقاتله و دشمنی با خدا و دین برنیامده‌اند و برای اخراج افراد دیگر از سرزمینشان اقدامی نکرده‌اند، همچنان بر رابطه دوستی، حتی در سطح برّ و احسان و برخورد عادلانه تأکید می‌شود. (ممتحنه: ۸ و ۹) در احادیث متعدد عملیاتی ساختن این میل فطری سرآمد فعالیت‌های خردمندانه آدمی شمرده شده است». (فتال نیشابوری، ج ۱، ص ۳) میل فطری و باطنی آدمی به انسان‌دوستی مصادیق متعدد دارد و در اجرایی کردن محبت، به فردی که نزدیک‌تر است، اشتداد دارد. نمونه برجسته این محبت‌ها، ابراز محبت پدر و مادر به فرزند است.

۱۲. توجه به امنیت روانی

خانواد مهم‌ترین کانون تأمین‌کننده نیازهای جسمانی، روانی و معنوی فرزندان است و همه تلاش پدران و مادران مسئول و آگاه باید بر این اصل بنیاد شود که فضای خانه و خانواده سرشار از امنیت، محبت و آرامش باشد. «اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان باید در خانه احساس امنیت و آرامش روانی کنند و کانون خانواده را بهترین و امن‌ترین پناهگاه بدانند. میان والدین و فرزندان باید رابطه‌ای ایجاد شود که آنان بتوانند آزادانه احساسات، اضطراب‌ها و نگرانی‌های خود را بدون احساس ترس یا طرد شدن با والدین در میان بگذارند». (سامانی و رضویه، ۱۳۸۶، ۱: ۳۰)

۱۳. توجه به اصل تربیت غیرمستقیم

یکی از راه‌ها و اصول که برای تربیت افراد ثمربخش است، تربیت غیرمستقیم است. منظور از تربیت غیرمستقیم، مجموعه‌ای از رفتارها، اعمال، شیوه‌های زندگی،

نگرش‌های گوناگون شخصی، انسانی و معنوی است که توسط پدر و مادر بر خانواده حاکم می‌گردد. در واقع چنین شرایطی اثرگذاری را نه به صورت مستقیم، بلکه به نحوی غیر مستقیم بر فرزندان، به همراه دارد. برای مثال، شیوه رفتار و برخورد با والدین نسبت به یکدیگر، روابط موجود میان اعضای خانواده، نگرش‌های والدین نسبت به طرف مقابل و هم‌چنین رفتار و برخوردهایی که در ارتباط با فرزند دارند، افکار، رفتار، معنویت و فرهنگ موجود در خانواده؛ مجموعه‌ای را ایجاد می‌نماید که اثرگذاری‌هایی را برای اعضای خانواده خواهد داشت. بدیهی است رشد و پرورش فرزند از شرایط حاکم بر خانواده تغذیه نموده و در شرایطی که فرزند از توانایی تشخیص چندانی برخوردار نیست، عوامل موجود بر خانواده را پذیرفته و به‌عنوان قسمتی از وجود، رفتار و شخصیتش تثبیت می‌شود.

فرایند تربیت و پرورش فرزند در دوره بلوغ، با سایر دوران‌ها تفاوتی باهم ندارد. یکی از نکته‌های بارز در تربیت و پرورش فرزندان، برخورداری از ثبات و یکنواختی در زمینه‌های اصلی تربیت فرزندان است. بدین صورت که والدین اگر در انتقال محدودیت‌های مالی و اقتصادی به فرزند در دوران پیش از بلوغ و دوران نوجوانی نیز موفق خواهند بود. در واقع همان رویه‌های تربیتی در دوره‌های کودکی و پیش از بلوغ کاربردهای لازم و موردنیاز را در دوره بلوغ و پس از آن مراعات شود و فرزند در هر دوره، نظم موردنیاز خانواده را رعایت نماید. (کاوه، ۱۳۸۸: ۳۳)

هر پدر و مادری که به فرزند خود محبت شدید و همدلانه دارند، می‌توانند احساس‌های خاص از جمله حس سرخوردگی فرزندشان را از چگونگی ارتباط خود با آنان کشف کنند و برای پیدا کردن راه‌حل آن کوشش کنند. از حضرت امام صادق^(ع) نقل شده است که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرَحِمُ الْعَبْدَ لِيَشِدَّ حُبَّهُ لَوْلَدِهِ؛ بدون شک، خداوند متعال به بنده‌اش ترحم می‌کند به خاطر شدت علاقه و محبت و همدلی او به فرزندش». (کلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۵۰)

«همدلی والدین اثری مهم بر محافظت و مراقبت از فرزند دارد؛ زیرا وقتی والدین از وضعیت و شرایط فرزندشان آگاه باشند و او را درک کنند، به‌دقت و درجه مراقبت



خود از فرزندشان در هنگام بروز مشکل و آسیب می‌افزایند. البته این نکته حائز اهمیت است که در ابراز محبت و تکریم شخصیت فرزند نباید افراط کرد؛ زیرا در آن صورت شخصیت فرزند بر اثر زیاده‌روی والدین در ابراز محبت‌های نابجا لطمه جبران‌ناپذیری خواهد خورد و او از جامعه توقعات و چشم‌داشت‌های نابجایی خواهد داشت». (کامران، ۱۳۸۴: ۱۱۰)

در اسلام به ارتباط عاطفی انسان‌ها با همدیگر تأکید فراوان شده است. حضرت امام صادق^(ع) فرمود: «يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِي التَّوَّاصُلِ وَالتَّعَاوُنِ عَلَى التَّعَاطُفِ وَالْمُوَاسَاةِ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَنِعَاطُفُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ؛ مسلمانان موظفند درباره پیوستگی و کمک به یکدیگر به‌ویژه نیازمندان تلاش کنند؛ از ابراز عواطف و هیجانات مثبت و امدادهای مالی و انفاق خالصانه مضایقه نکنند». (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۱: ۱۷۵)

از پیامبر اعظم^(ص) در این مورد نقل شده است که فرمود: «أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرزُقُونَهُمْ؛ خردسالان خود را دوست بدارید و به آنان ترحم کنید؛ و هرگاه به آن‌ها وعده دادید، به وعده خود وفا کنید، زیرا اطفال شما را روزی‌دهنده خود می‌پندارند». (کلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۴۹)

محبت نسبت به فرزندان نقش مهمی در تربیت عاطفی او دارد. پس وقتی والدین بر محبت، عطف، مهربان بودن به همدیگر و نیز نسبت به کودکان اتفاق نظر و روش داشته باشند، می‌توانند گامی بزرگ در زمینه‌سازی تربیت مطلوب دینی فرزندان خویش بردارند. سختگیری نکردن به رفتارهای فرزندان و عفو لغزش‌های آنان، از جمله عواملی است که در پرورش شخصیت عاطفی مطلوب فرزندان مؤثر است. رسول اکرم^(ص) می‌فرماید: «خدا رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری فرزند خویش را کمک کند و او را نیکوکار تربیت نماید. پرسیدند چگونه، فرمودند آنچه فرزند توان انجام آن را دارد از او بپذیرد و آنچه نمی‌تواند که مطلوب عمل کند یا لغزشی از او صادر می‌شود، بر او ببخشد و با سختگیری او را به گناه و اندارد و در برابر او مرتکب اعمال خلاف نشود که او بد تربیت گردد». (کلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۵۰)



نکته شایان توجه این است که کودکان از پدر و مادر خود می‌آموزند که چطور باید دیگران را دوست داشته باشند. انسان به‌خصوص در دوره کودکی به دوست داشتن و احترام از دیگران علاقه دارند زمانی که کودک بزرگ می‌شود و به نوجوانی می‌رسد حاضر است که از زیر قید اولیای خود بیرون رود، بیش از گذشته به محبت دیگران به‌ویژه مریبان علاقه دارند همان وقت است که باید اولیا و مریبان شخصیت او را محترم شمارند.

روش‌های تربیت عاطفی

۱. ایجاد ارتباط نیک

ابراز مهر و محبت از زمینه‌هایی است که در ارتباط حسنه و دوستانه انسان با دیگران تحقق یافته و «باعث اثرگذاری بر عواطف و منش شخصیتی همدیگر یا فرد ثالث می‌شود که در نتیجه سعی می‌کنند به سود همدیگر گامی بردارند یا دستکم اظهار همدردی یا احساس همدلی و یگانگی کنند. این آثار به شکل محبت، مودت، رحمت، لطف، رأفت، عفو و گذشت، خشوع، الفت، شفقت، احسان، حلم، شکر و مانند آن در ابراز و عملکرد افراد نمود می‌یابد». (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ۲: ۵۷)

۲. پاداش در قیامت

پیامبر رحمت^(ص) ابراز عواطف و علاقه‌مندی والدین نسبت به فرزند را در ارتقای درجات بهشتی آنان مؤثر می‌داند و می‌فرماید: «قبلة اولادکم فان لکم بكل قبلة درجة فی الجنة مسیره خمس مائة عام؛ فرزندان خود را ببوسید که برای هر بوسه‌ای که به فرزندان می‌زنید، یک درجه در بهشت خواهید داشت که فاصله هر درجه تا درجه دیگر به اندازه پانصد سال راه است». (طبرسی، ۱۳۷۰، ۱: ۲۲۰)

۳. پرورش شخصیت

ابراز عواطف والدین با همدیگر و با فرزندان از «عوامل مهم در پرورش شخصیت عاطفی مطلوب اسلامی است که در ایجاد صفا، آرامش روانی، اعتماد به نفس و شکوفایی استعداد های فرزندان تأثیری فراوان دارد». (حسین زاده، ۱۳۸۸: ۱۶۳) پیامبر



اکرم^(ص) درباره ارزش و جایگاه خوش‌رویی می‌فرماید: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ الطُّفُّهُم بِأَهْلِيهِ وَأَنَا الطُّفُّكُمْ بِأَهْلِي؛ شایسته‌ترین مردمان از نظر ایمان و دین، خوش‌اخلاق‌ترین و مهربان‌ترین آنان با خانواده‌اش است.»^(۱) «(حر عاملی، ۱۴۲۷، ۱۲: ۱۵۳) حضرت امام باقر^(ع) نیز می‌فرماید: «البشر الحسن و طلاقه الوجه مکسبه للمحبة و قربة من الله؛ گشاده‌رویی و خوش‌رویی در برخورد با دیگران، مایه جلب محبت آنان و نزدیک شدن به خداوند است.» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۱۳۴) به فرموده امام صادق^(ع) «اخلاق خوش سبب افزایش عمر و بهره‌مندی از نعمت‌ها می‌شود.» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۱۳۴)

نتیجه‌گیری

قرآن کریم به‌عنوان اصول اساسی برای زندگی انسان، راه‌ها و روش‌هایی را برای تربیت و پرورش دادن انگیزه‌های انسانی و عاطفی برای تمایل به انجام کارهای نیک به وی ارائه می‌دهد و اهل بیت^(ع) که افکار ایشان از سرچشمه‌های معرفت الهی و قرآنی سیراب می‌گردد، توجه خاصی به تربیت فرزندان داشته‌اند. از این رو برای این مهم تلاش کردند و با پندهای الهی و حکیمانانه خود، راه‌های درست زیستن و تربیت شدن مطلوب را به امت اسلامی نشان دادند.

از این تحقیق این نتیجه به دست می‌آید که در قرآن کریم و نیز روایات به روش‌های تربیتی اشاره شده است که سبب برانگیختن و پرورش عواطف انسانی، در انسان می‌شود.

فهرست منابع

قرآن

۱. احمدی، محمدرضا. (۱۳۸۰). نقش صلهرحم در بهداشت روانی، قم: ماهنامه معرفت، شماره ۴۸، ۳۷.
۲. اعرافی، علیرضا. (۱۳۷۷). آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، (تدوین: بهروز رفیعی).
۳. آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۷۳). غررالحکم و درر الکلم، (ترجمه: محمد خوانساری)، تهران: دانشگاه تهران.
۴. امینی. محمد. (۱۳۸۳). تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش. تهران: انتشارات آبیژ.
۵. بهشتی، محمد. (۱۳۷۹). مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی علیه السلام، مقاله تربیت عواطف از منظر امام علی، قم: تربیت اسلامی.
۶. جیمز، ویلیام. (۱۳۶۷). دین و روان، (ترجمه: مهدی قائینی)، قم: دارالفکر.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۷). وسایل الشیعه، (تحقیق: سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی)، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۸. حسین زاده، علی. (۱۳۸۸). همسران سازگار، راه‌های سازگاری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۹. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. (۱۳۸۱). درآمدی بر حقوق اسلامی، تهران: نشر سمت.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۶). مفردات ألفاظ القرآن، دمشق: دار القلم.
۱۱. رایس، فیلیپ. (۱۴۰۱). رشد انسان، (ترجمه: مهشید فروغان)، تهران: نشر ارجمند.
۱۲. ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۳. سامانی، سیامک؛ رضویه، اصغر. (۱۳۸۶). رابطه همبستگی خانواده و استقلال عاطفی با مشکلات عاطفی سلامت روانشناختی، نشریه پژوهش در سلامت روانشناسی، شماره ۱.



۱۴. شریف قریشی، باقر. (۱۳۶۲). نظام تربیت اسلام، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
۱۵. شمشیری، بابک. (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان، تهران: طهوری.
۱۶. شهریاری نیسیانی، شهناز. (۱۳۹۶). اصول و روش‌های تربیت عاطفی از دیدگاه علامه طباطبایی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۳۵.
۱۷. صالح، صبحی. (۱۳۸۶). النظم الاسلامیه. قم: شریف الرضی
۱۸. صدر، محمد باقر. (۱۴۰۶). دروس فی علم الاصول. بیروت: دار الکتب اللبنانی. دوم
۱۹. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی
۲۰. عبدوس، محمدتقی؛ محمدی‌اشتهاردی، محمد. (۱۳۸۸). آموزه‌های اخلاقی رفتاری امامان شیعه، قم: موسسه بوستان کتاب.
۲۱. فاضلی، مهسا. (۱۳۹۰). اصول و مراحل تربیت دینی کودکان با تأکید بر سخنان و سیره عملی رسول خدا، معرفت، سال بیستم - شماره ۱۶۰
۲۲. فتال نشابوری، محمد بن احمد. (۱۳۷۵). روضه الواعظین و بصیره المتعلمین. قم: نشر شریف رضی.
۲۳. فقیهی، علی‌نقی؛ نجفی، حسن. (۱۳۹۲). عوامل تربیت عاطفی فرزندان در خانواده برگرفته از احادیث، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی دهم، پاییز و زمستان.
۲۴. فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۰۶). الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع).
۲۵. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت
۲۶. کاشانی، مهدیه. (۱۳۹۷). بررسی دیدگاه‌های هستی‌شناسی علامه طباطبایی و دلالت‌های تربیتی آن، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
۲۷. کامران، فریدون. (۱۳۸۴). نقش عدم هم‌دلی والدین بر بزهکاری نوجوانان جامعه شناسی. ش ۴، ص ۱۱۰
۲۸. کاوه، سعید. (۱۳۸۸). ناکارآمدی‌ها در تربیت فرزندان، تهران: سخن.

۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷). *الکافی*. (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۰. گریس آر، بروین. (۱۳۷۶). *بنیادهای روان‌شناختی روان‌شناسی بالینی*، (ترجمه: مجید محمود علیلو). تهران: روان پویا
۳۱. متقی هندی، حسام‌الدین. (۱۴۰۹ ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت: مؤسسة الرساله
۳۲. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۱۳ ق). *بحار الانوار*، بیروت: دارالاضواء.
۳۳. محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۷۷). *میزان الحکمه*، (ترجمه: حمیدرضا شیخی)، قم: دارالحديث.
۳۴. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۷). *اخلاق در قرآن*، (تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۵. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
۳۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.
۳۷. نوری، حسین. (۱۴۰۸ ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت: آل البيت لاحیاء التراث.
۳۸. همت بناری، علی، (۱۳۸۳). *تعامل فقه و تربیت*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۹. ورام بن ابی‌فراس حلّی، (۱۴۱۰). *مجموعه ورام (تنبيه الخواطر و تنزيه النواظر)*. قم: المكتبة الفقيه.